شهرآرا
۴شنبه
۱۱ تیر ۱۴۰۴
۶ محرم ۱۴۴۷
شماره ۴۵۳۴
SHAHRARANEWS.IR
۱۳
گزارش

جنگ و کنکور؛ آزمونی سخت‌تر از درس

روایتی از حال و هوای کنکوری‌ها که جنگ، معادله زندگی آن‌ها را به هم ریخت

عکس: سعید گلی | شهرآرا

گزارش روز

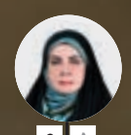

خبرنگار
معصومه فرمانی گیا

سال ۱۳۱۳ اولین دانشگاه مدرن به نام دانشگاه تهران تأسیس شد، اما تا سال ۱۳۴۲ هر دانشگاه برای پذیرش دانشجو، شیوه خاص خود را داشت. حالا دانشگاه‌ها که تعدادشان زیاد شده بود، نیاز داشتند طرحی را برای پذیرش داوطلب اجرایی کنند. مسابقه‌ای بزرگ که بعدها اسمش را «کنکور» گذاشتند، در همین سال برگزار شد. آن طور که گفته می‌شود، این رقابت سال بعدش به دلایل نامعلومی به فراموشی سپرده شد تا سال ۱۳۴۷ که به یمن تأسیس وزارت علوم، آزمون کنکور با قدرت برگزار شد. قصه کنکور همین طور ادامه داشت. سال ۱۳۵۴ به جای مرکز آزمون شناسی، سازمان سنجش آموزش کشور تأسیس شد. همان سال فاکتورهایی مثل معدل امتحانات نهایی ششم متوسطه، نوع مدرک، دیپلم ریاضی، طبیعی، ادبی، جنسیت و وضعیت نظام وظیفه، آمدند و نشستند کنار نتایج کنکور. البته به خاطر ماجراهای سال ۱۳۵۷ و آغاز تحولات انقلابی، این شرایط اعمال نشد و کنکور یک سال بعد هم برگزار شد، ولی پس از آن به دلیل انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها تعطیل شد و کنکور هم، تا اینکه سال ۱۳۶۱ دوباره به جریان افتاد. این روایت را تا اردیبهشت ۱۴۰۴ پی بگیرید و بدانید که آمارها از حضور ۷۳ هزار و ۳۱۱ داوطلب خراسان رضوی در کنکور امسال حکایت دارد. البته ماجرا به این سادگی که می‌خوانید، نیست. کنکوری‌ها برای تکیه بر صندلی‌های دانشگاه، رقابت نفس‌گیری را شروع کردند. قرار بود که اوایل تیرماه، نوبت دوم آزمون، تکرار و نتیجه آن روشن شود که از بین این تعداد، چند نفر می‌توانند کرسی دانشگاه‌های صاحب‌نام و معتبر کشوری را تصاحب کنند. اما جنگ تحمیلی دوازده روزه همه معادله‌ها را به هم ریخت. التهاب و تنش این جنگ، دامن پشت‌کنکوری‌ها را هم گرفته است. این روزها شاید برای کنکورگذرانده‌ها و کنکورنداده‌ها راحت باشد، اما انتظار و تنش بیشتر برای پشت‌کنکوری‌ها، کلافه‌کننده است.

درسی که دشمن داد

این باور عامه ماست که جنگ ویران‌کننده است. به اعتقاد برخی‌ها، جنگ بزرگ‌ترین مکتب است؛ اصلا یک دانشگاه برای خودش است. دوازده روز ناآرامی، برنامه درسی مهزیار و دوستانش را به هم ریخت. آن‌ها هم مدت‌هاست از خانواده جدا شده‌اند؛ نه یک ماه و نه دو ماه و نه یک سال، چند سال متوالی و پشت سرهم کتابخانه و سالن مطالعه، محل زندگی‌شان بود. البته گاه هم فضای سبز اطراف محل کتابخانه. غالبا هم دوست ندارند آمار درس خواندنشان را روکنند. اما حسابی درس خواندند. به قول خودشان، زنگ تفریح شیرینی نبود و نیست اما خیلی چیزها از این چند روز یاد گرفتند. مهزیار که دو ماه دیگر، هفده سالگی را پر می‌کند و وارد هجده سالگی می‌شود، به جنگ تحمیلی اخیر اشاره می‌کند و می‌گوید: «بیشتر از قبل، عاشق ایران شده‌ام و این آزمونی که برای دوست داشتن آن پیش آمد، برای من از هر آزمونی ارزشمندتر است».

فرصتی طلایی در دل التهاب

«جنگ، کوتاهش هم دردسرساز است». این جمله را محمدامین سهرابی می‌گوید که غصه این ایام، راحتش نمی‌گذارد. این پرسش‌ها مدام در ذهنش می‌چرخد که چرا دانش‌آموزی که جای برادر و خواهر اوست، باید این طور در خاک و خون خود بغلتد و همه آرزوهایش پشت میز مدرسه و کلاس درس بماند.

حالا جنگ به آتش بس رسیده است؛ جنگی که برایشان در یک عبارت کوتاه و چند حرفی خلاصه می‌شد، حالا پیش چشم‌شان است با گلوله و خون ریخته شهدایی که روی دست‌ها تا خانه ابدی‌شان رفتند و دانش‌آموزان زیادی را مات و مبهوت گذاشتند با پرسش‌های مکرری که در ذهنشان می‌چرخد و ساعت‌ها درباره آن با بچه‌های کلاس و هم‌سن‌وسال‌هایشان بحث می‌کنند.

محمدامین، دانش‌آموز مدرسه نمونه دولتی است و آن قدر این چند سال خوب درس خوانده که خیالش راحت است با همان آزمون مرحله اول اردیبهشت، می‌تواند جزو پذیرفته‌شدگان رشته پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد باشد اما توقعش از خودش خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. او و چند نفر از رفقای نزدیکش فقط به دانشگاه بهشتی تهران فکر می‌کنند. تنش و التهاب این ایام، آن‌ها را هم راحت نگذاشته است.

تعریف می‌کند: درست است که به لطف امام رضا(ع)، مشهد از حمله اخیر دشمن مصون ماند اما ذهن همه ما درگیر شد. اینکه چه شد و چه خواهد شد و دیگر نتوانستیم آن چنان که باید و شاید برای این ایام درس بخوانیم. البته خوش بینانه هم می‌شود به این موضوع نگاه کرد؛ برای بعضی‌ها هم فرصتی شد تا از فرصت طلایی در وقت اضافه استفاده کنند. تجربه نشان داده است گل‌های زیادی در دقیقه نود به ثمر رسیده‌اند.

رضا محمودی که در رشته انسانی درس می‌خواند، آن قدر کلافه و عصبی است که حاضر نیست از کنکور حرفی بشنود. می‌گوید: خسته شدم از بس هر روز یک قانون و برنامه جدید می‌رسید. اصلا این بلاتکلیفی از اول سال بوده است. متولیان حوزه سازمان سنجش شب می‌خوابیدند و صبح با تصمیم تازه بیدار می‌شدند و مشخص نبود این طرح و برنامه‌ای که اعلام می‌کنند، تا آخر هفته دوام می‌آورد یا باز هم تغییر می‌کند.

رضا می‌خندد و ادامه می‌دهد: در این بین، برای ما کنکوری‌ها، دشمن تیر آخر را شلیک کرد. من که انگیزه‌ام را برای درس خواندن و ادامه دادن از دست داده‌ام. زیر فشار روانی خانواده گاه کم می‌آورم، فقط خدا کند این ایام فرسایشی زود تمام شود!

ایلیا عربشاهی هم مثل خیلی از هم‌کلاسی‌ها و دوستان هم‌سن‌وسالش فقط به دندان پزشکی فکر می‌کند و تصورش این است که امسال، شانس بیشتر باکسانی است که آمادگی برای کنکور را دیرتر شروع کردند یا حتی کمتر مطالعه کردند و استدلالش این است که دنبال کردن وقایع اخیر و مربوط به جنگ، خستگی می‌آورد و ذهن خسته از درس خواندن مکرر، ظرفیت این اتفاق را نداشت.

حق هم بدهید به دانش‌آموزانی که برای کسب رشته‌های خوب، مصمم هستند و از تابستان دو سال گذشته، درس خواندن را شروع کردند و اما تأخیر در برگزاری کنکور، همه چیز را به هم ریخته است. خیلی‌هایمان در آمادگی کامل برای شرکت در کنکور بودیم و اما همین انتظار و فشار روانی، روح و روانمان را به هم ریخته است. البته می‌توان نیمه پر لیوان را هم نگاه کرد؛ کسانی که به این وقت اضافه نیاز داشتند.

امیدوارم نتیجه بگیرم

محمدمهدی عادلی پور هم مثل هزاران دانش‌آموز دیگر، از سال‌ها قبل خود را برای کنکور و رقابتی بزرگ آماده کرده بود و همه هدفش به دست آوردن رشته دندان پزشکی است و اصلا به کمتر از پزشکی فکر نمی‌کند. روزهای منتهی به کنکور، واقعیت دیگری اتفاق افتاد. هیچ وقت باورش نمی‌شد اتفاقی بخواهد همه چیز را زیرورو کند؛ برنامه ریزی درسی و معادله چندساله او برای زندگی.

حالا او به این باور رسیده است که غیر از جنگ، همیشه ماجراهای پیش بینی نشده‌ای هستند که می‌توانند روال عادی زندگی را کاملا تغییر دهند. روزی که به خاطر حادثه‌ای مجبور به بستری شدن در بیمارستان شد و پشت بندش ماجراهای مختلف پیش آمد؛ عمل جراحی، درد و بیداری‌های شبانه روزی، تنها چیزی که فکرش را می‌کرد، این بود که حاصل زحمات چندساله‌اش به باد رفت، همه چشم‌پوشی کردند از میهمانی‌های خانوادگی و رفتن به سفر و... می‌گوید: به خاطر ضریبی که امسال امتحانات نهایی در پذیرش و انتخاب دانشجو دارد، تمام وقتم را برای امتحانات نهایی گذاشته بودم. مرحله اول کنکور را برای آشنایی با سؤالات شرکت کردم. اما متأسفانه به خاطر عمل جراحی پا، نتوانستم آن طور که باید، از پس امتحانات نهایی برآیم. به خاطر شرایط جسمی نمی‌توانستم در مرحله دوم کنکور هم شرکت کنم اما فرصتی به خاطر جنگ پیش آمد که بتوانم خودم را برای این آزمون آماده کنم و امیدوارم نتیجه خوبی بگیرم.

خانواده رکن اصلی و محور برای کمک به دانش‌آموز به حساب می‌آید و نباید با آن‌ها رفتارهای تنش‌آمیز داشته باشند. برنامه تربیتی پدر و مادر خانواده هم باید هوشمندانه و باظرافت باشد

باید از اول شروع کنم

نازنین بیات رشته انسانی می‌خواند و سال دوازدهمی است. سردرگم و نگران است. می‌گوید: به قول معروف این هم از شانس ماست. سال‌های سرنوشت‌ساز زندگی ما توأم با ماجراهای مختلف بود؛ از همه‌گیری کرونا و دنبال کردن درس‌ها در فضای مجازی گرفته تا جریان کنکور و جنگ. من که احساس می‌کنم همه چیز به هم ریخته است و اصلا نمی‌توانم خودم را جمع و جور کنم و راحت ترش را بخواهید بدانید، اصلا آمادگی ندارم. احساس می‌کنم باید دوباره از نو همه چیز را برنامه ریزی و شروع کنم و این یعنی دوباره برگرد سر نقطه اول.

ساجده محمودی، حقوق را دوست دارد و به همین خاطر رشته انسانی را انتخاب کرده است. ساجده برخلاف هم‌کلاسی‌ها از این تأخیر پیش آمده خوشحال است و می‌گوید: درگیرودار کنکور، برادرم به دنیا آمد و بیشتر وقت من به مراقبت از مادرم گذشت. البته هیچ فردی جنگ را دوست ندارد و من هم به خاطر ماجراهای اخیر ناراحتم. ولی واقعا به این فرصت احتیاج داشتم.

«آشفته‌ام»؛ این تنها جمله‌ای است که به زبان مهدیه دشتی، مادر علیرضا که دانش‌آموز سال دوازدهمی است، می‌آید. فکر می‌کند استفاده از یک واژه و عبارت بتواند تا حدی آرامش کند تا پشت بندش توضیح دهد: علیرضا رشته انسانی درس می‌خواند و ما با راهنمایی مشاور، کلی برنامه ریزی کردیم تا او را مجبور به درس خواندن کنیم و به این مرحله برسانیم. نوجوانی دوره حساس و سختی است و من خیلی خودم را برای برخورد درست با پسرم کنترل می‌کنم. ولی این ایام به قدری فشار روانی و عصبی روی من زیاد شده است که چندبار پرخاش کرده‌ام و صدایم سر علیرضا بلند شده است. جریانات اخیر و طولانی شدن زمان برگزاری کنکور شرایط فرسایشی را برای خانواده‌ها پیش آورده است و واقعا خانواده‌ها نیاز به یک تنفس عمیق دارند تا بتوانند به روال عادی زندگی برگردند.

سعید اسفندیاری، سرگروه فیزیک ناحیه ۵ آموزش و پرورش، تجربه این برنامه را در دوران کرونا داشته است و تعریف می‌کند: خاطرم هست خیلی از بچه‌های درجه یک مدرسه خودشان را برای رشته‌های به اصطلاح خوب آماده کرده بودند و متأسفانه نتوانستند آن طور که باید، خودشان را جمع و جور کنند و نتیجه بگیرند. حالا هم دقیقا شبیه همان ماجرا اتفاق افتاده است و خیلی از دانش‌آموزان از این بابت ناراحت هستند که البته باید بدانند این شرایط به صورت ملی و کشوری است. دانستن این واقعیت شاید آن‌ها را آرام‌تر کند و بتوانند آماده سر جلسه حاضر شوند. البته برای بعضی‌ها هم بد نشد؛ مثل وقت اضافه‌ای است که داور در مسابقات اعلام می‌کند و در این فرصت، برخی تیم‌ها به حریف گل هم می‌زنند. می‌خواهم بگویم همه چیز به نگاه ما بستگی دارد و دانش‌آموزان ثابت کرده‌اند که بحران را می‌توانند تبدیل به فرصت کنند، کافی است یک یاعلی بگویند.

هوشمندانه رفتار کنید

دکتر محمد ثوابی که در حوزه روان شناسی تخصص دارد، درباره این ایام می‌گوید: تعویق در برگزاری آزمون کنکور، یک تصمیم ملی بوده است و دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان نباید خود را درگیر این مسئله کنند و بهتر است با حفظ آرامش، شرایط را برای خود سخت‌تر نکنند.

او بر این نکته تأکید می‌کند که هم دانش‌آموزان و هم خانواده‌هایشان، باورهای غیرمنطقی را از ذهن خود دور کنند؛ انتظاراتی که خارج از واقعیت است و اضطراب و استرس را زیاد می‌کند. دکتر ثوابی از شایع‌ترین رفتاری که تنش بین دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها را زیاد می‌کند، یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: خانواده رکن اصلی و محور برای کمک به دانش‌آموز به حساب می‌آید و نباید با آن‌ها رفتارهای تنش‌آمیز داشته باشند و فرزندان کنکوری خود را محدود کنند. برنامه تربیتی پدر و مادر خانواده هم باید هوشمندانه و باظرافت باشد. این روان شناس تأکید می‌کند: خانواده و دانش‌آموزان، باید مدیریت اضطراب و استرس را بیاموزند و از راهکار و تکنیک‌های آرام سازی استفاده کنند؛ به عنوان مثال به مدت چهار ثانیه از طریق بینی، نفس عمیق بکشند تا بتوانند این ایام را به بهترین شکل مدیریت کنند.

معجزه گفت‌وگو

علیرضا مهرجردی
روان‌شناس و مشاور تحصیلی

یادداشت

به تعویق افتادن کنکور از چند منظر قابل بررسی است. خیلی‌ها انتظار روز موعود را می‌کشیدند و فکر می‌کردند این انتظار قرار است بالاخره به پایان برسد، اما این اتفاق نیفتاد. انتظار برای هر موضوعی، پروسه‌ای سخت و نفس‌گیر است. بگذارید با مثالی روشن کنم؛ شما میهمان جایی هستید که برنامه شام را برای ساعت ۸ اعلام کرده‌اند. اگر این زمان حتی ۱۰ دقیقه دیرتر شود، شما کلافه می‌شوید. در فرایند کنکور هم همین طور است. من از سال ۱۳۸۳ با دانش‌آموزان و کنکوری‌ها سروکار دارم و بارها به آن‌ها گفته‌ام: بچه‌ها، اگر زمان کنکور را برای ۷ صبح مشخص کرده‌اند، به این معنا نیست که آزمون رأس این زمان شروع می‌شود. حتی همین موضوع ساده هم برای آن‌ها استرس‌زاست، چه برسد به اینکه مدت طولانی در بلاتکلیفی و انتظار بمانند. البته والدین باید شرایط را برای آن‌ها توضیح بدهند و بگویند موضوع پیش‌آمده، خاص شما نیست و برای همه کنکوری‌هاست. وقتی این موضوع به گروه بزرگی تعمیم داده شود، پذیرش آن راحت‌تر است. الان بهترین فرصت برای گفت‌وگو و حرف زدن خانواده‌ها با فرزندانشان است. شاید بسیاری از بچه‌ها بگویند: «انگیزه نداریم» و... انگیزه از حرکت شروع می‌شود و ما باید بچه‌ها را در مسیر حرکتی قرار دهیم. مراقب باشید آن‌ها را تحقیر و سرزنش نکنید. برخی پدر و مادرها از سر ناآگاهی؛ اضطراب و دلهره‌ای را که خود دارند، به فرزندشان منتقل می‌کنند که این درست نیست. یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های دانش‌آموزان، نگاه والدین و اطرافیانشان به این موضوع است. اگر خانواده‌ها رفتار و لحن کلام خود را کنترل کنند و مدام به دنبال نتیجه نباشند، مطمئن باشند که پیروزترند. عبارت‌هایی مثل «حق با توست»، «نگران نباش، هر تصمیمی که بگیری ما همراهت هستیم»، معجزه می‌کند. من ۲۱ سال همراه کنکوری‌ها بوده‌ام و با اطمینان می‌توانم بگویم آن‌ها در این ایام چقدر خسته‌اند. آن‌ها دنبال یادگیری نیستند و حتی به خاطر دلهره و اضطرابی که دارند، شب‌ها خوابشان نمی‌برد. دنبال یک تفریح و سرگرمی باشید. تست زدن مثل جدول حل کردن، یک جور سرگرمی است. بیایید از درس‌هایی که فرزندمان در آن ضعف دارد، شروع کنیم و از او بخواهیم تست کار کند. باید این حس را به آن‌ها انتقال دهیم که در مسیر عادی زندگی هستیم و این بحران را هم پشت سر می‌گذاریم. اتفاقا این اتفاقات فرصت خوبی شد تا به آن‌ها نشان دهیم که گنجی به نام اتحاد و همدلی داریم که با کمک آن، هر رقیبی را می‌توانیم از سر راه برداریم.